

عنوان مقاله:

اهمیت معرفت شهودی و بررسی آن با نظریه های رشدی و متون حکمت ایرانی

محل انتشار:

اولین همایش ملی روان شناسی بالینی کودک و نوجوان (سال: 1399)

تعداد صفحات اصل مقاله: 11

نویسنده:

مرجانه فرهودی - دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه محقق اردبیلی

خلاصه مقاله:

در دنیای امروز علاوه بر تمام ساز و کارها و پیشرفت کنونی، همچنان به قول شیخ بهایی، سایه ای از افسردگی همچون پالانی بر جان انسان امروز سنگینی میکند. پرسشی که این نگارش میخواهد در ذهن خواننده تداعی کند این است که آیا ناکارآمدی انسان در پیوند عقل جزوی با عقل کل و یا به روایت نیروی انسانگرایی، خاموشی یا تحریف نیروهای خودشکافا دهنده ناب درونی، علت ریشه ای این درد میتواند باشد یا خیر؟ شاید در نگاهی عمیقتر، بتوانیم ریشه این افسردگی را نه صرفاً در اصلاح ظواهر سبک زندگی و نظریه های رایج روان درمانی، بلکه در گسستگی مکانیزم عقلی انسان از اتصال به منبع شمع و بهجت زندگانی بدانیم؛ به عنوان مثال، مولانا در دوره های میزیسته است که از حمله مغول تا نیشخند استدلالیون زمان کم دشوار نبوده است ولی همچنان میگوید این جهان برای من همچون جنت است زیرا با جوهر آن در صلح هستم. در این مقاله بر آنیم، که با نظری بر این مساله از منظر متون حکمی، نظریه های انسانگرایی در حوزه رشد و همچنین، با اشاره به دغدغه های موجود در حوزه رشد معنوی کودک، پاسخی برای این پرسش بیابیم. همانطور که خواهیم دید رویکرد انسانگرایی در نظریه های رشدی، در تبیین نیروی خودشکافا دهنده درونی با سمت و سوی اعتلایی، توصیف متون حکمی از عقل کل و موهبت های این اتصال را به ذهن متبادر میکند و از طرفی پرهیز از غیراصیل بودن و گیر افتادن در تار و پود مکانیزمهای دفاعی، تجربیات با واسطه و اسنادهای شرطی، با مبانی نهی شده در زمینه عقل جزوی همپوشانی قابل توجهی دارد.

کلمات کلیدی:

عقل کلی، عقل جزوی، انسانگرایی، معرفت شهودی، خود شکوفایی، تعالی، رشد معنوی، مثنوی معنوی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1192987>

